



خبر

پیگیری تصویربرداری «راز ناتمام» در کشور ترکیه

سکانس های فیلمان سریال تلویزیونی «راز ناتمام» این روزها در کشور ترکیه در حال ضبط است.

به گزارش مشاور رسانه‌ای پروژه، با اتمام تصویربرداری سکانس های زمان حال قصه سریال تلویزیونی «راز ناتمام» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی امین امانی در تهران، گروه در حال حاضر برای ضبط قسمت های فیلمان عازم کشور ترکیه شده‌اند. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته، تصویربرداری این سریال تا اواخر آبان در ترکیه به پایان می‌رسد.



«راز ناتمام» با محوریت روایت زندگی پر فراز و نشیب شهید محمدجواد باهنر، به اتفاقات سال‌های پس از جنگ و نفوذ دشمن در ارکان دولت در زمان حال می‌پردازد.

فرهاد جم، نگین معتمدی، سیدجواد هاشمی، رامین راستاد، بهرام ابراهیمی، شهرام عبدلی، مریم کاویانی، مریم خدارحمی، مهدی امینی‌خواه، مسعود رحیم‌پور، مهدی کوشکی، محمدرضا علیرضایی، ابوالفضل کاظمی، مجید شهریار، علیرضا مهران، مرتضی طوفان، هدایتا... سجادی، عاطفه اکبری، کیاووش زارع‌طلب، علیرضا فاضل‌نژاد، علی پورصادق، محمد فرحبخش و علی قلیچ‌خانی گروه بازیگران این پروژه تلویزیونی را تشکیل می‌دهند.

«راز ناتمام» در معاونت سیمای استان‌ها و با مشارکت مرکز کرمان در حال تولید است. این سریال پس از اتمام کامل مراحل فنی از یکی از شبکه‌های سراسری روی آنتن خواهدرفت.

تله‌فیلم «آفت گندم» کلید خورد



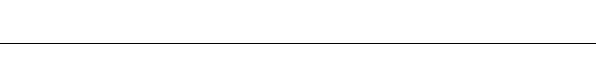
فیلمبرداری تله‌فیلم «آفت گندم» به کارگردانی حسین ابراهیمی دستگردی در شهر دامغان آغاز شد.

به گزارش مشاور رسانه‌ای پروژه، تله‌فیلم «آفت گندم» به نویسنندگی مرضیه حیدرآقایی، کارگردانی حسین ابراهیمی دستگردی و تهیه‌کنندگی امین حیدرآقایی در شهر دامغان جلوی دوربین رفت. فیلمبرداری این تله‌فیلم که بر اساس طرحی از امین حیدرآقایی است، علاوه بر شهر دامغان در گورستان سفیدچاه مازندران نیز انجام خواهد شد.

حسن اسدی، مهدی امینی‌خواه، امین حیدرآقایی، معصومه فلاح‌نیا، علیرضا فرزاد، غلامرضا باقری، محمد نجفی، علی امیرماهانی، عرفان فولادیان، سوکل دارابی، ریحانه آقایی، الهام ناصری، محمد غزنائیان، باربد نیکمنش، مهدی صالحی، عادل ناهیدی، علی و محسن ایردزی، علی رضایی، زهرا کافتری، هلمّا حیدرآقایی، نازنین شهبازی و آیتا‌خالودی از جمله بازیگران «آفت گندم» هستند. این تله‌فیلم داستان زندگی مردم عامی و روستایی را دنبال می‌کند که به دلیل خرافه‌پرستی، نداشتن آگاهی و جهل و تقلید کوکروانه از سنن، متوسل شدن به درخت بی‌روح و رفتن نزد رمالان و فالگیران به مانند پوسین‌پارونه در پی تحریف واقعیت هستند. دیگر عوامل «آفت گندم» عبارتند از مدیر فیلمبرداری؛ میثم امینی، مدیر صدابرداری؛ یوسف رضا مرادی، منشی صحنه؛ الهه حاتمی، طراح صحنه و لباس؛ نگار فرج‌پور و عرفان فولادیان، مدیر صحنه؛ محمد غزنائیان، مدیر تولید؛ علی امیرماهانی و نورپرداز؛ میثم امینی.



وی افزود: این برنامه بخشی به نام مستند ماجرا دارد که ۳ آبان به مناسبت سالروز درگذشت فریدون مشیری به بررسی شعری مشهور از این شاعر اختصاص پیدا کرده است. قاصدک با شعار «شعرها و ترانه‌ها قاصد خیال‌اند» هرروز ساعت ۱۴:۳۰ به تهیه‌کنندگی انیسه شمس‌اللهی تقدیم شنوندگان می‌کند.



شخصیت نورا برای من خیلی قابل درک بود. یعنی وقتی خودم را به جای او می‌گذاشتم، می‌دیدم در چنین موقعیت مشابهی شاید من هم خودم را قربانی پدر و مادرم کنم. یعنی اصلا اتفاق دور از ذهنی برای من نبود و نورا بسیار برایم باورپذیر بود. به نظر نورا در این سریال شخصیت بسیار ایتارگری بود.

وقتی نورا در قصبه به نوعی قربانی خانواده می‌شود پدر و مادر را هم می‌بینیم که با این موضوع درگیر هستند. درباره سکانس های حسی که داشتید هم می‌گویید و این‌که چقدر به کارگردان برای این صحنه‌ها ایده می‌دادید؟

سجادی حسینی: به عنوان یک پدر که دخترش می‌خواهد خودش را قربانی خانواده کند درگیری‌هایی در بازی بود.

به خصوص وقتی برای نماز صبح وضو گرفت و دیالوگ‌هایی با نورا داشت؟

سجادی حسینی: اگر همچنان که خودمان به عنوان بازیگر در این سکانس‌ها تحت تاثیر قرار می‌گرفتیم توانسته باشیم به مخاطب منتقل کنیم فکر می‌کنم توانسته‌ایم موفق شده باشیم.

کاظمی: خوشبختانه آقای غضنفری همیشه پذیرای ایده‌ها و پیشنهادهای بازیگران بود. همیشه وقتی می‌خواهی سکانسی را بازی کنی یا حتی زمانی که آن را می‌خوانی اگر آن موقعیت برای خودت باورپذیر باشد و خودت را در آن موقعیت تصور کنی، به نظر من برای شروع به بازیگر کمک‌کننده است. برای من که در صحنه‌هایی از این دست باورپذیر بود.



از بازی با لهجه فرار می‌کنم

اگر اشتباه نکنم شما پیش از این هم گفته بودید که خیلی دوست ندارید نقش‌هایی که لهجه و گویش خاصی داشته باشد را بازی کنید. چطور شد در این سریال نقش یک پدر افغانستانی را با گویش خاص بازی کردید؟

فرید سجادی حسینی: بازیگر نقش علیجان: بله من همیشه گفتم که از لهجه فرار می‌کنم. به این خاطر که استعدادش را ندارم. واقعاً در بازی با لهجه بی‌استعدادم. اما در این سریال خیلی سخت بود و زحمت کشیدم که بتوانم با این گویش خوب بازی کنم. نمی‌دانم تا چه حد موفق بودم. برای این نقش هم به خاطر لهجه در ابتدا فرار می‌کردم. اما فیلمنامه را که خواندم به نظر به نسبت سریال های دیگر نگاه جدیدی بود و نقش علیجان هم برایم دوست داشتی و جالب بود.

چقدر به اتفاق بازیگران دیگر دور خوانی داشتید؟

سجادی حسینی: دورخوانی به معنای رایج یک جلسه. اما به خاطر کرونا هر روز در یک ساعت به خصوص با مشاور لهجه ویدئو کال داشتیم. گاهی کنفرانس با بازیگران دیگر در ایفای این نقش با لهجه خیلی به من کمک کرد.



به گزارش جام جم، انسیه شمس‌اللهی تهیه‌کننده این برنامه گفت: برنامه موسیقی‌محور قاصدک ترکیبی از داستان، شعر و ترانه را با اجرای دلنشین نسیم رفیعی تقدیم مخاطبان می‌کند. این برنامه با ترکیب شعر و ترانه و موسیقی، شنوندگان را به فضایی شاعرانه و خیال‌انگیز پاییزی می‌برد.



سکانس های پرچالش نورا

این نقش چه تجربه و دستاوردی برای شما به همراه داشت وقتی قرار شد در کنار دوستانی بازی کنید که همگی پیشکسوت هستند.. ضمن این‌که در فضایی مجازی خیلی از کاربران تصور می‌کردند افغانستانی هستید؟

آزاده سیفی: من و آقای قزوینی بازیگر نقش حافظ آخرین بازیگرانی بودیم که به کار اضافه شدیم. چون می‌دانستم بازیگرانی باتجربه‌تر از من در این سریال حضور دارند، به همین خاطر خیلی استرس داشتم و نگران بودم. اما در اولین برخورد با همه بازیگران این نگرانی رفع شد. چون آنقدر رفتار خوبی داشتند و به من کمک می‌کردند و انرژی می‌دادند که دیگر نگران نبودم.

مظفری: من چطور؟

سیفی: شما هم بسیار پرانرژی بودید. اما ابهت خاصی داشتید (با خنده). همه بازیگرها در این کار به من کمک کردند. حتی آقای قزوینی که سکانس های زیادی با هم داشتیم. شاید طولانی‌ترین تمرین‌ها را با آقای دهکردی داشتیم که متاسفانه سکانس های بسیاری را شما ندیدید.

شما سکانس های سختی مقابل آقای دهکردی داشتید. چون نورا نمی‌خواست با فرخ ازدواج کند و از طرفی به سمت حافظ گرایش داشت. درباره این سکانس های چالشی و سخت در سریال بگویید؟

سیفی: متاسفانه خیلی از سکانس های جذاب و پرچالش نورا را در این سریال ندیدید. ولی شخصا برای من این نقش چالش های بسیاری به همراه داشت. چه سکانس های من فرخ و چه سکانس های من و حافظ. حتی با نگار اما در کل

نذر نورا برای حافظ

نذر نورا در مورد حافظ برای من یادآور نذر سیتا در سریال «مسافری از هند» بود. اما چرا این ابهام درباره نذر نورا در قصبه کنگ ماند و مخاطب را گیج می‌کرد که نذر نورا چیست؟

سیفی: دقیقا نذر نورا همین بود. در سکانسی هم که با مادر حافظ در نمازخانه داشت مطرح شد که آدم می‌تواند از عزیزترین خواسته اش بگذرد. نورا هم می‌خواست از حافظ که برایش عزیز است بگذرد و زمانی که برای عیادت حافظ آمدن نکته را به مادرش گفت. به نظر من این کار را هم کرد و می‌خواست که با فرخ ازدواج کند.

شبیه حافظ شدم

امیر احمد قزوینی در سریال «هم‌سایه» نقش حافظ را بازی می‌کرد. وی در روز نشست توانست حاضر شود و با او تلفنی گفت‌وگو کردیم. او درباره نقشش و چالش‌های آن توضیحاتی ارائه کرد.

از نخستین تجربه بازی‌تان در یک سریال تلویزیونی بگویید و این‌که بزرگترین چالشی که برای ایفای نقش حافظ در این سریال داشتید چه بود؟

امیراحمد قزوینی: بله همان‌طور که گفتید اولین تجربه بازی من در یک سریال آن هم با این حجم از بازی بود. برای بازی در نقش حافظ یک چالش بزرگی داشتم و این بود که باید لحظه‌های متفاوت یک نقش پرفراز و نشیب و طولانی را در هشت، نه ماه در زندگی حافظ داشتم و همین باعث می‌شد که گاهی ندانم کجای این داستان هستم. گرچه منشی صحنه و کارگردان می‌گفتند در این سکانس حافظ کجای ماجراست. با این حال در طول این چند ماه من به عنوان بازیگر چیزهایی را به نقش اضافه می‌کردم. به همین دلیل نگران بودم این کم کردن و اضافه کردن‌ها آسیبی به نقش نزند. منظورم این است که بزرگ‌ترین چالش من این بود که بتوانم حافظ را باورپذیر بازی کنم و برای مخاطب سمیات باشد و دوستش داشته باشند. در عین حال خودم هم بتوانم تجربه جدیدی در بازیگری داشته باشم.

جذاب‌ترین نکته‌ای که درباره این شخصیت برای شما وجود داشت چه بود؟

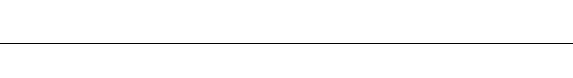
من فکر می‌کنم حافظ از شخصیت‌های نادر این جهان است که البته در دنیای امروز به وجود چنین افرادی خیلی نیاز داریم. یعنی آدم‌هایی که شبیه شعارها و حرف‌هایشان باشند. آدم‌هایی که وقتی از انسانیت حرف می‌زنند، فقط این نسخه را برای بقیه نییچند. در زندگی و رفتار و اعمال خودشان هم این نگاه انسانی را داشته باشند. اگر از عشق حرف می‌زنند، در جست‌وجوی عشق باشند و آن را پیدا کنند و پای آن بایستند و برایشان مهم نباشد که پول و منفعت کجاست. اینکه یک آدم حرف‌های زیبا بزند، حرف‌های انسانی و اخلاقی بزند و پای آن حرف‌ها بایستد برای من جذاب بود.

کار با آقای غضنفری که او هم نخستین تجربه کارگردانی‌اش بود چطور بود؟ آن‌هم کارگردانی‌که سال‌ها تدوینگر بوده و در کنار کارگردانی این سریال از منظر تدوینگر هم به فیلمنامه نگاه می‌کرد؟

به نظر من کار با چنین کارگردانی بسیار لذت بخش بود. چون آقای غضنفری بسیار آدم باسوادى است و بسیار در کار با بازیگر تعامل می‌کند و با عجله هم کار نکرد و نگرانی در کار را به بازیگر منتقل نمی‌کرد. مهم‌تر این‌که به ایده‌های بازیگران به دقت گوش می‌کرد و اگر در جهت

دعوت به دنیای شعر و موسیقی در قاصدک

رادیو صبا در برنامه قاصدک با ترکیب شعر و ترانه و موسیقی، مخاطبان را به فضایی شاعرانه و خیال‌انگیز پاییزی می‌برد. به گزارش روابط عمومی رادیو صبا، قاصدک عنوان یکی از برنامه‌های جدید رادیو صبا است که در فضایی دل‌انگیز شعر و موسیقی را همراه ترانه تقدیم مخاطبان می‌کند.



تهیه‌کننده و بازیگران مجموعه «هم‌سایه»

هم‌سایه هم



حضور داشتند که هر کدام در قالب نقشی که بازی کردند راوی داستان شنیدنی و دیدنی بودند. حال که سریال به پایان رسیده در یکی از روزهای پاییزی، میزبان علی پورکیانی تهیه‌کننده، محمدحسین غضنفری کارگردان، مجید مظفری بازیگر نقش دایی پرویز، فرید سجادی حسینی ایفاگر نقش علیجان، مریم کاظمی بازیگر نقش عالیه و آزاده سیفی بازیگر نقش نورا و علی زادمهر مدیر روابط عمومی سریال در جام جم بودیم. در این گفت‌وگوی صمیمانه از هر دری گفتیم و شنیدیم که ما حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

که دارد شبیه به دختران ایرانی است. بنابراین سعی کردیم در این سریال واقعی‌کار کنیم. کابل برای خیلی از افغانستانی‌ها غریبه است. بنابراین سعی مان براین بود بجا کارکنیم و سکانس اضافی از فرهنگ آنها نداشته باشیم. ما در این سریال تلاش کردیم نگاه ایرانی‌ها را نسبت به مهاجران افغانستانی که در این کشور زندگی می‌کنند تصحیح کنیم. این‌که آنها کارگر افغانستانی نیستند و نسل جدید آنها که در ایران به دنیا آمده، درس خوانده و دانشگاه رفته‌اند الا شبیه به آدم‌هایی که در ذهن ما هست نیستند. حتی برای نقش نورا از بازیگران افغانستانی که تست گرفتیم اصلا باورم نمی‌شد این دخترها افغانستانی هستند. نه لهجه داشتند و نه از چهره‌شان مشخص بود. از طرفی می‌خواستیم در این سریال از مشکلات حقوقی مهاجران بگوییم.

منظورتان مشکل سند به نام زن مهاجران است که در سریال هم مطرح شد؟

پورکیانی: بله اتفاقا من شنیدم که می‌توانند کارت بانکی بگیرند و قانون، یک سری امتیازات برایشان قائل شده است. نکته مهم‌تر این‌که ما برخلاف فیلم‌هایی که به جشنواره‌های خارجی می‌رود و در آنها نشان می‌دهند مهاجران افغانستانی با فلاکت و بدبختی در ایران زندگی می‌کنند، می‌خواستیم بگوییم ما مردم ایران میزبانان خوبی برای آنها هستیم. به همین خاطر شما در این سریال هم شخصیت ایرانی بد و خوب می‌بینید و هم افغانستانی بد و خوب.

تحول یکباره فرخ!



فرخ قصه از زمانی که نورا را می‌بیند و دل‌بسته او می‌شود، برای ازدواج با او بسیار مصر است. اما با فوت بابا عزیز و سیلی‌ای که از علیجان می‌خورد یکباره متحول می‌شود. به نظر خودتان این تحول یکباره، باورپذیر است؟

غضنفری: قبل از سیلی علیجان به فرخ سکانس هایی وجود دارد که شما ندیده‌اید که خیلی به این باورپذیری کمک می‌کرد.

پورکیانی: ما سکانسی در این سریال داریم که هومن و فرخ داشتند و بسیار سکانس کلیدی است و حرف‌هایی در این سکانس بین پدر و پسر ردوبدل می‌شود که شاید این باورپذیری را برای شما به عنوان مخاطب در تحول فرخ ایجاد می‌کرد که شما ندیدید.

غضنفری: سکانسی هم بود که نورا و حافظ داشتند و دیالوگ‌هایی ردوبدل می‌شد که باز هم در باورپذیری مخاطب کمک می‌کرد.

سجادی حسینی: اتفاقا من از خیلی‌ها شنیدم که همه قصه یک طرف، آن سیلی که علیجان به فرخ زد یک طرف.

کاظمی: من دوست افغانستانی ندارم که از او بازخورد می‌گرفتم اما ایرانی‌هایی که دیده بودند خیلی خوششان آمده بود و می‌گفتند خیلی خوب با لهجه صحبت کردی. البته مشاور لهجه یعنی خانم زهرا احمدی از لهجه‌ها راضی بود.

سیفی: من خیلی از دوستان افغانستانی بازخورد گرفتم و فکر می‌کردند من افغانستانی هستم و خوشبختانه بازخورد‌های خوبی هم گرفتم.